

حدیث نواندیشان دینی

یک نسل پس از عبدالکریم سروش

سید هادی طباطبائی

طباطبائی، سیدہادی، ۱۳۶۱، حدیث نواندیشان دینی (یک نسل پس از عبدالکریم سروش)، تهران، کویز، ۱۳۹۷.

ISBN: 978-964-214-182-1

۴۴۸ ص. مصور، نمودار.

فیپا. کتابنامه. نمایه.

فنائی، ابوالقاسم، ۱۳۳۸ - -- نقد و تفسیر. دباغ، سروش، ۱۳۵۳ - -- نقد و تفسیر. نراقی، احمد،

۱۳۴۵ - -- نقد و تفسیر. روشنفکران دینی - -- ایران - -- قرن ۱۴.

۳۰۵/۵۵۲۰۹۵۵

۴ ح ۲ ط ۷۲۸/ HM

شماره کتابشناسی ملی: ۵۱۱۹۲۸۵

www.ketab.ir

کتابخانه دیجیتال کبیر (کتابخانه دیجیتال کبیر)

ISBN: 978-964-214-182-1

سید هادی طباطبائی



انتشارات کبیر

حدیث نواندیشان دین

(یک نسل پس از عبدالکریم سروش)

سید هادی طباطبائی

• طراح جلد: سعید زاشکانی • امور فنی و صفحه‌آرایی: انتشارات کبیر • سرین قدرتی

• لیتوگرافی و چاپ: غزال • صحافی: کیمیا • شمارگان: ۷۵۰ • چاپ اول: ۱۳۹۷

• شابک: ISBN: 978-964-214-182-1 • قیمت: ۳۸۰۰۰ تومان

Email: kavirbook@gmail.com

• نشانی: تهران، کریم‌خان زند، ابتدای قائم‌مقام‌فراهمانی، کوی یکم، شماره ۲۰، ساختمان کبیر

• کد پستی: ۱۵۸۵۹۱۴۹۱۳ • تلفن: ۸۸۳۰۱۹۹۲ و ۸۸۳۴۲۶۹۸ • نمایر: ۸۸۳۴۲۶۹۷

• تمامی حقوق این اثر محفوظ است. تکثیر یا تولید مجدد آن کلاً و جزئاً،

به هر صورت (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر و انتشار الکترونیکی)

بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است.

فهرست

مقدمه	۱۱
ابوالحسن بنائی؛ قبض فقه در سایه بسط اخلاق و معنویت	۲۳
در طلب گم شده	۲۵
به نام دین به کام بر اخلاقی	۲۸
ناکارآمدی نظریه در تقدّم دین بر اخلاق	۳۱
نقدی بر تمسّک به دامن تال (ابراهیم ع) در تقدّم دین بر اخلاق	۳۶
تقدّم اخلاق بر دین	۳۹
ناظر آرمانی یا خدای اخلاقی	۴۸
تأملاتی در فلسفه‌ی فقه	۵۷
تفکیک میان دو نحوه از فقه	۵۷
تزریق اخلاق و عقلانیت به فقه	۵۹
فقه و چالش‌های عصر جدید	۶۶
اجتهاد «قانون‌محور» و اجتهاد «الگومحور»	۸۲
ارتداد	۸۹
تأملی در اوقات شرعی	۹۱
تأملی در حکم ربا	۱۰۱
معنویت قدسی	۱۰۳
منازعه عقلانیت و معنویت	۱۱۳
نقد عقل‌پرستی و علم‌پرستی	۱۱۵

۱۲۰	نقد نقل پرستی
۱۲۳	تأملی در تعارض عقل و وحی
۱۲۸	راه حل فنائی
۱۳۱	آراء فنائی به چه کار ما می آید؟
۱۴۹	آرش نراقی؛ افق های گشوده ی دینداری
۱۵۱	ریش های کودکی و لطافت میانسالی
۱۵۳	سنت گرایی انتقادی
۱۶۴	اهل ان مع جسمانی
۱۷۰	وحی شناسی
۱۷۱	مدلی برای پذیرش وحی
۱۷۵	موانع فهم وحی
۱۸۲	صدق در کلام باری
۱۸۶	انتقاد به برخی از تلقی ها نسبت به وحی
۱۸۶	انتقاد بر نظریه ی «بسط تجربه نبوی»
۱۹۱	نقدی بر نظریه ی «قرائت نبوی از جهان»
۱۹۶	نقدی بر «آموزه ی قرآن محمدی»
۱۹۸	تأملات اخلاقی
۲۰۲	اخلاق حقوق بشر
۲۰۸	حق دخالت بشردوستانه
۲۱۱	اخلاق خشونت
۲۱۸	اخلاق شکنجه
۲۲۱	دیانت و مدنیت
۲۲۷	حق ناحق بودن
۲۲۹	رواداری

۲۳۶	تأملی در تابوی همجنس‌گرایی
۲۳۷	ایضاح مفهومی
۲۳۹	نقد ادله‌ی مخالفان
۲۴۶	ادله‌ی نقلی
۲۵۶	عرفانیات
۲۵۸	عصر اختفای الهی
۲۶۳	قربان عرفان با اخلاق
۲۶۵	نجم ملال در روزگار مدرن
۲۶۹	آراء نرانی با چه ک می‌آید؟
۲۷۹	سروش دباغ؛ آرزومند پاک‌ی آراء آب‌های ایمان
۲۸۱	زیرسایه‌ی پدر
۲۸۵	سهراب سپهری
۲۹۱	لودویگ ویتگنشتاین
۳۰۰	روشنفکری دینی
۳۰۳	تحلیل مفهومی
۳۰۶	نگاه پسینی - تجربی
۳۰۹	ابزارهای معرفتی
۳۰۹	مبناگرایی معتدل
۳۱۱	موازنه‌ی متأملانه
۳۱۱	برنامه‌ی پژوهشی
۳۱۳	تمایز روشن فکر دینی و روشن فکر عرفی
۳۱۴	تفکیک روشن فکر دینی و روشن فکر مذهبی گره‌گشا نیست
۳۱۸	دینداری از مقومات روشن فکری دینی نیست
۳۲۰	روشن فکر ایرانی و ضرورت شناخت تشیع

۳۲۲.....	روشنفکری دینی؛ یکی از گره‌گشایترین پروژه‌های فکری
۳۲۶.....	طرحواره‌ای از عرفان مدرن
۳۲۸.....	امتیازهای عرفان مدرن بر عرفان سنتی
۳۳۱.....	التفات بر انسان‌های پیرامونی
۳۳۶.....	شخصیت بخشی به سالک
۳۳۹.....	مواجهه با امر سیاسی
۳۴۵.....	توجه به مقوله‌ی مرگ
۳۵۱.....	مواجهه با مناسک فقهی
۳۵۵.....	مسئله‌ی حجاب
۳۶۳.....	حجاب، قبح و...
۳۶۸.....	ارتداد
۳۷۵.....	ازدواج عرفی
۳۸۵.....	تفسیر قرآن
۳۹۴.....	اقسام ایمان‌ورزی
۳۹۵.....	۱. ایمان‌ورزی معرفت‌اندیشانه
۳۹۶.....	۲. ایمان‌ورزی شورمندانه
۳۹۷.....	۳. ایمان‌ورزی از سر طمأنینه
۳۹۸.....	۴. ایمان‌ورزی آرزومندانه
۴۰۰.....	تطویر در فیلم و رمان
۴۰۲.....	رویکرد وجودی - اگزیستانس
۴۰۷.....	انگاره‌های اخلاقی
۴۱۰.....	آراء دباغ به چه کار ما می‌آید؟
۴۲۱.....	کتابنامه
۴۴۳.....	نمایه

مقدمه

«شما خودتان این شیعه را به وجود آوردید. می گفتید آقای بهاء الدینی این طور است و آن طور است. می گفتم من خودم در قم بودم و این چیزها را می دانم ... و معتقدم شما خودتان، کشور را به رنج انداخته اید که این گرفتاری ها پیش آمده و جمکران را آن طور بزرگ کرده اید و این ها آبرو ها را می زنند»^۱ یکی از روحانیون ایرانی زانوبه زانوی آیت الله سید علی سیستانی نشسته است و این سخنان را از زعمیم نجف می شنود. گویی خللی در کار دینداری رفته که چنین مرجع بلند پایه شیعه را برآشفته است. باید هم که مرجع شیعی به اقبال و روبرو شدن با ساسیت بوززد. پاس مقام دین نهادن و مردمان را بدان راغب کردن، در صدر دغاغه های مالمای دین بوده است. زمانی ملا محسن فیض کاشانی^۲ گفته بود که خداوند از آن روی حکام خود را تدریجاً نازل کرد تا قلب مردمان بدان مایل شود و دینداران به آمیزش با آن را دریابند و به آن رغبت کنند.^۳ سید محمد حسین طباطبایی، این علامت زمان ما بر این مهم انگشت می نهاد که قرآن کریم به گونه ای نازل شده تا عقل افراد عامی را

۱. مسیح مهاجری، آیت الله سیستانی و عراق جدید، صص ۵۲-۵۴.

۲. ملا محسن فیض کاشانی (۱۰۰۷-۱۰۹۰ ه ق) حکیم، محدث و عارف دوره صفوی است. وی داماد ملاصدرای شیرازی بود. علامه مجلسی از جمله شاگردان وی محسوب می شود.

۳. فیض کاشانی، الوافی، ج ۲۰، ص ۵۹۹؛ نقل از سروش محلاتی، دولت و اجرای شریعت، ص ۲۶۴.

نیز سیراب کند. مبدا سخنی در میان آورد که خرد مردمان آن را فرو نهند و حکم بر صعوبت آن کنند و از اقبال بدان پای پس کشند.^۱ سید ابوالقاسم خوبی زعیم مقتدری از همان شهر نجف - شهری که سید سیستانی زبان به گلایه گشوده بود - پای از این هم فراتر نهاد و گفت که خداوند به پاس حرمت دینداران، گاه از حکم واقعی خود سرباز می‌زند؛ تا روزی که رغبت به آن حکم حاصل شود و مردمان بدان دل دهند و سر تعظیم فرو آورند.^۲

پته نیک است این سخنان و چه در خور است مردینداران را که چون مصلحتی درگیرد، چون مشقتی براهل این زمانه حاصل آید، چون حکمی برخلاف عقل روزگار رخ نماید، مبادی موضعی را بگیرند که رحمت و مغفرت می‌افزاید و الی ربک فرغب از محقر می‌گرداند.

اما این سران نیک بین آرزوی رغبت عمومی به احکام شرعی محقق نشد. از انبان برخی فقیهان بعضی از اقامی به میان آمد که کمتر عقلانیت زمانه را حرمت می‌نهاد و کمتر شوق دینداران را می‌افزاید. از همان نجف که فتوای مصلحت از سید خوبی صادر شده بود، احکامی به گوش رسید که صبغه‌ای از مصلحت در زمانه‌ی معاصر بر خود نمی‌دید. سید عبدالعلی سبزواری^۳ مرجع کوتاه زمان نجف و جانشین سید خوبی، اکراه و اجبار در ترائش به سید را جایز شمرد. دین و ایمانی که می‌باید به رغبت تام بر دل دینداران می‌نشست به حکم مرحوم سبزواری می‌توانست به اکراه و اجبار نیز متحقق گردد. وی اظهار کرد: «چون دین حق،

۱. سید محمد حسین طباطبایی، المیزان، ج ۴، ص ۱۵۸؛ نقل از همان

۲. سید ابوالقاسم خوبی، محاضرات فی اصول الفقه، ج ۴، ص ۴۸۳؛ نقل از همان، ص ۱۳

۳. انشراح ۸/

۴. سید عبدالاعلی سبزواری (۱۲۸۹-۱۳۷۲ ه. ش) فقیه و مفسر و قرآن پژوه جهان تشیع بود. وی پس از آیت الله خوبی به مدت یک سال زعامت حوزه نجف را به عهده داشت. کتاب "سلمان زمان" به بررسی احوال و آثار ایشان پرداخته است. (رک: حسین بهروان و دیگران، سلمان زمان، کاوشی در زندگی، آراء، آثار، کرامات و خاطرات آیت الله سید عبدالاعلی سبزواری، انتشارات جوان مهر، سبزواری، ۱۳۸۸)

برای نجات انسانها از شقاوت ابدی لازم است، از این رو اکراه بر آن مجاز بوده و رهاکردن کافر - که موجب سقوط ابدی و شقاوت جاودانه او می شود -، قبیح و نارواست»^۱.

علامه حلی^۲ به استناد اینکه پیامبر در هر سال به جهاد می رفته نتیجه گرفت که هر سال به جهاد رفتن وجوب کفایی دارد. «اگر کفار در سرزمین خود هستند و قصد جنگ با مسلمانان را ندارند، جنگ با آنان واجب کفایی است نه واجب عینی، و حداقل در هر سال، یک بار واجب است و هر چه بیشتر انجام شود فضیلت آن بیشتر خواهد بود»^۳. به این معنا که اگر کافران در ممالک خود آسوده نشسته اند و نزاعی با دینداران در خاطر ندارند، اما رواست که شمشیر برکشیم و آنها را به دین خود مایل کنیم. به این مرحوم حلی، چه پسندیده است اگر این نزاع ها هر ساله برخیزد و حکم جهاد تحقق یابد چرا که «رسول خدا (ص) نیز در هر سال یک بار با کفار جنگید؛ زیرا جنگ بدر در سال دوم هجرت بود و احد در سال سوم و ذات الرقاع در سال چهارم و خندق در سال پنجم و بدر المصطلق در سال ششم و خیبر در سال هفتم و فتح مکه در سال هشتم و تبوک در سال نهم»^۴.

شیخ محمد حسن نجفی^۵ که از اعظام فقها بود و بر مصلحت عامه تأکید بسیار داشت^۶ رأیی داد که امروزه کمتر قرباتی با مصلحت دارد. وی بعد از اینکه بر ناپسندی و حرام بودن غیبت و تهمت بر مؤمن حکم داد، به این نکته اصرار

۱. سید عبدالاعلی سبزواری، مواهب الرحمن، ج ۴، ص ۲۴۸، نقل از سروش محمدیان، همان، ص ۱۳۸.

۲. علامه حلی (۶۴۸-۷۲۶) یکی از بزرگترین فقها و اصولیون شیعه است. گفته می شود که راولین کسی بوده که در فقه شیعه از واژه "مجتهد" استفاده کرده است.

۳. تذکره علامه حلی، ج ۱، ص ۴۰۶؛ چاپ سنگی، نقل از نعمت الله صالحی نجف آبادی، جهاد در اسلام، ص ۸۷.

۴. همانجا.

۵. محمد حسن نجفی (۱۱۶۶-۱۲۲۸ ه.ش) از فقهای شیعه و صاحب کتاب "جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام" که از ارزش بالایی در فقه شیعه برخوردار است.

۶. رک: سید سجاد ایزدهی، اندیشه سیاسی صاحب جواهر، صص ۵۶-۵۷.

ورزید که مؤمنان فقط شیعیانند و می‌توان برخی غیر شیعیان را به هنگامه‌ی مصلحت، با غیبت و تهمت از میدان به در کرد.^۱

این گونه احکام است که اعتراض امروزیان را برمی‌انگیزد. اگر رغبت دینی باید که حاصل آید، آیا به چنین احکامی در زمانه‌ی معاصر می‌توان بدان دست یافت؟ بر پایه برخی از همین احکام است که منتقدان پای به میدان گذاشته و قلم بطلان بر فقه و فقاہت کشیده‌اند. اما مگر می‌توان از این دانش فربه جهان اسلام چشم پوشید و ریکره آن را به تاریخ سپرد؟

روشنفکر سکولاری چون محمدرضا نیکفر بر پایه همین گونه استنباطهای دینی است که ایده «الهیات شکنجه» را طرح می‌کند. بر پایه همین فتاوا است که نیکفر حکم می‌دهد که «لام تنها با فراموش شدنش قابل تحمل خواهد گردید»^۲ شاید همین احکام است که «سوف نامدار، آرامش دوستدار را برمی‌آشوبد که آتش در خرمن دینداری زند هر آنچه را که به اعتقاد دینی مربوط است را مورد بی‌مهری قرار دهد و آن را به «دین‌خویی» متعصب تبدیل کند و تفرقه‌رنگی را از مرام دینی نتیجه گیرد»^۳.

احمد کسروی، «پاک دینی» را «رمان درد دانسته و بسیاری از باورهای دینی را به چوب تردید و انکار از عرصه‌ی دین خارج می‌کرد و توهم دین خالص در خاطر می‌پروراند»^۴. محمد حسن شریعت سنگلجی بر معجزه و شفاعت و غیبت امام (عج) خرده گرفته و به زعم خود همگی این اعتقادات را از میدان به در کرده

۱. شیخ محمد حسن نجفی، کتاب متاجر؛ نقل از محمد موسوی عقیقی، میزان، تئوریک داعش در فقه شیعه، ص ۱۸

۲. محمد رضا نیکفر؛ دین، مدرنیته و سکولاریسم؛ گفت و گو با فصلنامه «ره آورد» ش ۱۰۲، بهار ۱۳۹۲؛ نیکفر اما معتقد است که تلاشهای نواندیشی دینی در مهار خشونت‌ها به نام دین، مهم و مؤثر بوده است.

۳. در این زمینه رجوع کنید به دو کتاب از آرامش دوستدار، امتناع تفکر در فرهنگ دینی؛ خویشاوندی پنهان

۴. احمد کسروی در کتاب ورجاوند بنیاد ایده‌ی پاک دینی را طرح کرده است. این کتاب در سال ۱۳۲۲ منتشر شد.

بود.^۱ در این خصوص، اعلام موضع شیخ عبدالکریم حائری - زعيم آن زمان شیعه - چنین مدبرانه است که عنوان می‌کند اعتقاد به رجعت نه از اصول دین است و نه از اصول مذهب. معتقد نبودن به آن هم کسی را از جرگه دینداری خارج نمی‌کند. مرحوم حائری گفته بود که در این زمان، باید به نحو دیگری به حفظ دینان مردم اندیشید و انگشت نهادن بر این اعتقادات، گرهی از کار دینداران نمی‌گشاید.^۲

باری! اگر چه سودای رغبت عمومی بر احکام دینی در خاطر علمای دین بوده؛ اما پای احکام، نیز در میان است که مقبول معاصران نمی‌افتد. نمی‌توان فارغ دلانه برضایت استدلال‌ورزی این فقیهان حکم داد. نمی‌توان به چوب بی‌تدبیری، چنین علمایی را محکوم نمود. اینها مراجع اعلای شیعه‌اند و مگر می‌توان بر وجاهت علمیشان خلل وارد کرد و بر منزلشان خُرده گرفت؟

شاید ایراد کار این‌ها دیربازی است. شاید از آنجا که رطب و یابس را از دین و احکام فقهی انتظار می‌بریم. از آنجا که نسبت میان حکم دینی و اخلاق را در نظر نمی‌آوریم. از آنجا که خُرد مستقل از دین را باور نداریم. این یک رأی ناروای انسانی در زمانه‌ی معاصر است که در راه تحقق اقتدای عادلانه، چوب و خیزران بگیریم و به صلاة جمعه آییم و محتکران و مفسدان را در پیشگاه همگان تازیانه زنیم.^۳ آیا به چنین احکامی می‌توان حکم توقف بر مفسده‌ی اجتماعی نهاد؟ به چنین نگرشی می‌توان سیمایی نیک از اسلام و مسلمانی ترسیم کرد؟ چنین است که اینگونه اعمال در زمانه‌ی حال نه درمانگرانه است و نه مدبرانه؟ نیست اینکه داعیه‌داران چنین نگرشی، بر رنسانس اسلامی جهد بسیار می‌ورزند و عدم تحقق آن را چونان خاری در چشم و استخوانی در گلو می‌دانند و امید می‌برند که نمود دینی با محوریت احکام اسلامی، عالم‌گیر شود و همگان را به کارآید و رغبت افزایش دهد.

۱. رک: اندیشه اصلاح دین در ایران، ج دوم، ص ۵۲۹

۲. سید عبدالحجّه بلاغی، تذکره عرفا، ص ۲۵۹؛ نقل از همان، ص ۵۳۱

۳. این ایده را حسن رحیم پور ازغدی در خطبه‌های پیش از نماز جمعه قم بیان کرده است. نک:

خبرگزاری فارس، ۹۵/۸/۲۱، کد خبر: ۱۳۹۵۰۸۲۱۰۰۰۳۵۲